تخته سفید شماره ۱۱۹۵

تاک

راهکارهای مواجهه با لجبازی کودکان

لیلا کاظم‌لو*

● کودکمان را با خود بیرون می‌بریم، قصد خرید برخی مایحتاج منزل را داریم، فرزندمان گلودرد دارد و دکتر برخی مواد غذایی را برای او ممنوع کرده است، کنار قفسه تنقلات می‌ایستد. چند مواد خوراکی را که نباید بخورد، انتخاب می‌کند و اصرار دارد که برایش بخریم، پا بر زمین می‌کوبد، داد می‌زند، گریه می‌کند، کلماتی را به کار می‌برد که گوش‌هایمان سرخ می‌شود، همه به ما نگاه می‌کنند. چه واکنشی باید نشان دهیم؟ لجبازی و نافرمانی کودک واکنشی است که کودک در قبال کوچک‌ترین ناکامی از خود نشان می‌دهد. لجبازی یک نوع رفتار و واکنش نامطلوب است که به صورت‌های مختلفی خود را نشان می‌دهد. برخی روان‌شناسان عقیده دارند که علل بروز رفتارهای لجبازی در کودکان پایین‌بودن اعتمادبه‌نفس و عزت‌نفس و نداشتن خودباوری مثبت است. کودکان لجباز بسیار حساس و زودرنج بوده و اغلب زود خشمگین می‌شوند و به کینه‌توزی و انتقام‌جویی تمایل دارند. در کودکان لجباز بیشتر نافرمانی نمود پیدا می‌کند. لجبازی کودکان در واقع از خصومت کودکان نسبت به والدین در مقابل استقلال کودک نشئت می‌گیرد. آنها در برابر هرگونه دستور و امر و نهی از خود مقاومت نشان می‌دهند و تلاش می‌کنند به هر نحو ممکن به خواسته‌های خود برسند. لجبازی از مراحل طبیعی رشد کودک است. ایستادگی در مقابل والدین تا شش یا هفت سالگی ادامه دارد. راهکارهایی برای مواجهه با لجبازی کودکان:

۱- ارتباط مؤثر: ارتباط مؤثر حرف اصلی در بروز این واکنش را می‌زند، سعی کنید رابطه‌ای به دور از پرخاشگری، اهانت و تحقیر با کودک خود برقرار کنید.

۲- عصبی نشوید: در مواجهه با لجبازی کودک عصبی نشوید نفس عمیق بکشید، به کار دیگری مشغول شوید تا آرام شوید.

۳ـ به خواسته کودک گوش دهید: با کلماتی که به کار می‌برید، او را آرام کنید. به او بگویید تا وقتی گریه می‌کنی، کتک می‌زنی و داد می‌زنی نمی‌توانم به حرفت گوش کنم و بعد به حرف او گوش کنید، گوش‌کردن به معنای عمل به خواسته کودک نیست، بلکه یعنی شما به او اهمیت می‌دهید.

۴- تقویت رفتارهای مثبت: اگر کودک شما در مورد خواسته‌ای رفتار درست داشت، بلافاصله او را تشویق کنید.

۵- او را در آغوش بگیرید: یکی از راهکارها درآغوش‌گرفتن است. در زمان لجبازی برخی کودکان ممکن است به خود آسیب بزنند. مثلا سر خود را به زمین بکوبند یا به دیوار؛ در این زمان تنها کار درآغوش‌گرفتن کودک است.

۶- گفت‌وگو کنید: با کودک خود گفت‌وگو کنید، دلایل بی‌توجهی به خواسته او را به صورت منطقی در زمان دیگر نه در هنگام لجبازی با او در میان بگذارید.

۷- مراجعه به مشاور: درصورتی‌که موارد مؤثر نبود، حتما به یک مشاور روان‌شناس آگاه در این زمینه مراجعه کنید که با همدلی و همفکری با شما راهکارهایی برای بهبود لجبازی در کودکتان در اختیار شما قرار دهد.

*** پژوهشگر مؤسسه مطالعات کودکی مدرس**

۱۰ راهبرد و ۱۰ مهارت برای تمرکززدایی آموزشی

فریبا عدلی . مدرس دانشگاه

صنعت بزرگ نظام آموزشی، قطعا در هزاره دانش‌بنیان فراتر از خواندن و نوشتن است. مسئولیت اخلاقی، متعهدانه و پاسخ‌گو به جامعه را به عهده دارد که در راستای عدالت آموزشی تلاش کند؛ بنابراین من تمرکززدایی یا کاهش تمرکز را به عنوان راهبردی برای نیل به این هدف در نظر گرفتم و مباحثم را در سه محور دنبال خواهم کرد. بحث اول مربوط به چیستی تمرکززدایی است که سرمنشأ بسیاری از سوءتفاهمات در جامعه کنونی ماست. واقعا تمرکززدایی به چه معناست؟ معنای شفاف و روشنی بین ما نیست و یک حالت برداشت دوگانه‌ای از این تمرکززدایی در جامعه وجود دارد. بحث دوم مربوط به چرایی آن است؛ چرا ادبیات تمرکززدایی که تاریخ طولانی در ادبیات مدیریت دارد، در دو دهه اخیر مورد توجه قرار گرفته است؟ و مهم‌ترین قسمت بحث که تحت عنوان ۱۰ راهبرد، ۱۰ مهارت است، مربوط به چگونگی تمرکززدایی است؛ به عبارتی ما چگونه می‌توانیم به تمرکززدایی برسیم؟

در مورد چیستی تمرکززدایی باید بیان کرد که این سؤال به تغییر در موقعیت اداره‌کنندگان و انتقال قدرت اشاره دارد. اغلب، ما تمرکززدایی اداری را با تمرکززدایی مالی و سیاسی هم‌معنا می‌گیریم، درحالی‌که مقاومت بسیار بالایی در مدیران ارشد کشور هست که تمرکززدایی مالی و سیاسی را انجام نمی‌دهند و در برابر تصمیم‌گیری مشارکتی مقاومت می‌کنند؛ بنابراین تصمیم‌گیری اداری را برابر با تمرکززدایی می‌دانند. امیدوارم که از تمرکززدایی اداری شروع بشود و به استقلال مدرسه برسد.

دلایل و چرایی تمرکززدایی را می‌توان در پنج حوزه مطرح کرد: ۱- پارادایم اقتصادی سیاسی جدید: تصمیم‌گیری بازارمحور، ۲- پارادایم جدید مدیریت: تغییر از درون‌دادها به برون‌دادها، ۳- شکل‌های جدید پاسخ‌گویی، مدل اجتماعی: اشتغال‌پذیری و سرمایه اجتماعی، ۴- ICT دسترسی به سطوح بالاتر کنترل کل سیستم با تمرکززدایی در مدیریت، ۵- بیانیه داکار (EFA 2012) و آموزش‌وپرورش با راهبرد تمرکززدایی.

در نهایت ۱۰ راهبرد اصلی برای تمرکززدایی در آموزش‌وپرورش وجود دارد. درحالی‌که من به مدیریت آموزشی کشور نمره منفی می‌دهم، اما از راهبردهای اصلی تمرکززدایی است. مدیریت و رهبری آموزشی یعنی مدیران توانمند وآموزش‌دیده‌ای که شایستگی ثابت دارند و می‌توانند در سه سطح یادشده درگیر شوند. پژوهش‌هایی که ما انجام داده‌ایم نشان داده است که وضعیت موجود مدیریت به نظر یک مقدار دردناک می‌آید. مدیران ما نگهبان وسایل و تجهیزات هستند. مدیران ما منتظر خطای منِ معلم هستند که یک کارت قرمز به من بدهند و درِ نتیجه پلیس هستند. نفوذپذیری بین آموزش‌هایی که مدیران ما می‌بینند با استخدامشان معنایی ندارد. دانش‌آموخته‌های مدیریت ما در رأس پست‌های مدیریتی قرار ندارند، درحالی‌که انتظار می‌رود که شایستگان باید به مدیریت بازگردند. یکی از مباحث مهم ایجاد معنای مشترک است. ما تمرکززدایی را چه می‌بینیم؟ ما آموزش‌وپرورش را چه می‌بینیم؟ ما اصلا فردا را چگونه می‌بینیم؟ ما نیاز داریم که فرادید مشترکی را با اعضای جامعه محلی و همین‌طور لایه‌های بالاتر با یکدیگر خلق کنیم. مدیر وظیفه دارد نقش‌ها و مسئولیت‌ها را تعریف کند. ما انتظار داریم مدیران ما با رویکرد مشارکتی ظرفیت‌سازی کنند و به‌گونه‌ای که تمام بازیگران در طراحی و اجرا مشارکت داشته باشند. ما برنامه‌های تقاضامحور به‌خصوص تقاضای جامعه محلی را در بحث‌های مدیریتی‌مان می‌خواهیم. مجموعه این بحث به توانمندسازی در مدیریت آموزشی ختم خواهد شد.

راهبرد و مهارت دوم بازسازی ساختاری و اداری است. نظام اداری ضرورت لایه‌برداری دارد و ما باید لایه‌های اضافی را از سطوح اداری کشورمان برداریم. این ساختار مناسب این هزاره نیست، مناسب این بودجه نیست، مناسب اداره کودکان ما نیست؛ بنابراین باید مدل‌های سازمانی ما از هرمی به سمت شبکه‌ای بروند. این اتفاق صورت نمی‌گیرد مگر اینکه تمایل به توزیع قدرت داشته باشیم. تغییر باید در نقش‌های سطوح بالایی رخ دهد و باید تأمین‌کننده و حامی باشند و درعین‌حال کمک‌های مشورتی و فنی بدهند. مسئله دیگری که باید در آن زمینه مهارت‌آموزی شود مربوط به معلم است. بزرگ‌ترین سرمایه، مدرسه است و مدرسه سه ضلع بیشتر ندارد که در واقع دانش‌آموز، معلم و مدیر هستند. بنابراین انتظار می‌رود یک مدیر توانمند در زمینه استخدام، ابقا و ارتقای مدیران فکر کند. تنظیم و تقویت معیارهای پرداخت را در چشم‌اندازش داشته باشد و پاسخ‌گویی درباره تدریس را به معلمان واگذار کند.

راهبرد دیگر مربوط به سیاست است. سیاست پیچیده است، ولی هموارکننده راه است. ما نمی‌توانیم بدون درک از انگیزه‌های سیاسی و بدون رازگشایی‌کردن از اینکه چرا تمرکززدایی ضرورت دارد و هدف‌های آشکار و پنهان چه هستند، اقدامی کنیم، بنابراین قطعا به مشارکت سیاسی با آگاهی نیاز داریم. قوانین باید قابلیت اجرائی داشته باشند و مستلزم این باشد که صریح و شفاف باشند و مشخص شود که چه کسی برای چه پاسخ‌گوست و قانون‌گذار باید مشخص کند که نقش‌ها و وظایف به چه صورت است. مجموعه اختیارات و مجموعه محدودیت‌ها را مشخص کند. ما نیاز به تنوع ابزارهای قانونی داریم که حقوق و تعهدات در آن به روشنی مشخص شده باشد.

راهبرد دیگری که به مهارت دیگری ختم می‌شود، راهبرد مالی است. ما نیاز به سیستم‌های نظارت بر کنترل مالی داریم که شفافیت و پاسخ‌گویی را برای تأمین‌کنندگان و ذی‌نفعان به ارمغان بیاورد. ما نیاز به بودجه‌های مدرسه‌محور داریم که برنامه‌های مالی را با برنامه‌های مدرسه تلفیق کند. ما احتیاج به یک بودجه بی‌طرف داریم که در تناسب با مناطق فقیر و غنی باشد. تخصیص وجوه باید با تمرکز بر برابری با ویژگی‌های مدرسه و دانش‌آموز باشد و مکانیسم‌ها و معیارهای توزیع اعتبارات در مدرسه را توضیح دهد. به مدرسه استقلال بدهد که اعتباراتش را چگونه استفاده کند و احتیاج داریم که در برنامه، بودجه تخصیص منابع برای مهارت‌آموزی و اصلاح دیده شود. درمجموع احتیاج به یک چک‌لیست داریم که وظایفی را که شرح دادم را با هزینه‌ها انطباق دهد. بنابراین مدیران نیاز دارند که مهارت‌آموزی برنامه‌های مالی و آموزشی را یاد بگیرند.

راهبرد دیگر برای تمرکززدایی از نظر من برای مدیران، برنامه درسی و آموزشی است. تصمیم درباره زمان آموزش باید به جایی که آموزش جریان دارد، واگذار شود؛ روش‌های یادگیری و یاددهی و همین‌طور تعریف دوره‌های آموزشی، تدوین محتوایی که تفاوت‌ها و تنوع را ببیند. سنجش یادگیری، یعنی ما درواقع نیاز به انواع آزمون‌ها و تجهیزات و مواد آموزشی داریم. درمجموع مدیران ما باید مهارت‌آموزی در تدوین برنامه‌های درسی و آموزشی را کسب کنند. مدرسه شرکای مختلفی دارد و مهم‌ترین شرکای ما والدین بچه‌های ما هستند که در مدرسه باید به آنها حق انتخاب مدرسه را بدهیم و این بحث تمرکززدایی موازی را پیش می‌آورد؛ یعنی پذیرش عقاید دیگران و اهمیت‌دادن به تقاضای دیگران، مستلزم این است که ما ظرفیت‌سازی اجتماعی کنیم، معنای مشارکت مشخص شود و معنا این است که همه بازیگران باید در آن دخیل باشند و این مستلزم آگاه نگه‌داشتن بازیگران، مسئولان و پاسخ‌گو نگه‌داشتن آنهاست.

مدیران باید نسبت به زیرساخت‌های فناوری مدرسه در تمرکززدایی بیندیشند. بنابراین ما احتیاج به یک پایگاه داده‌ها در مقیاس خرد مدرسه و در مقیاس کلان داریم. ما این پایگاه داده را نیاز داریم برای اینکه اطلاعات مناسب برای تحلیل و گزارش‌دهی را داشته باشیم. ما اطلاعات را می‌خواهیم تا به شهروندان پاسخ‌گو باشیم. شفافیت امروز سرلوحه برنامه‌های مدیران قرار دارد، بنابراین ما باید پیشرفت‌ها، فسادها و انحرافات احتمالی را به شهروندان و سایر شرکا اعلام کنیم و به سیاست‌گذاران بازخورد بدهیم. همه اینها به اطلاعات و دسترسی به شکاف‌های ارتباطی احتیاج دارد و همین‌طور کتابخانه‌های برخط می‌خواهیم که مهارت در سوادآموزی ICT برای مدیران را ارتقا دهد.

نظارت و ارزیابی راهبرد دیگری است که به مهارت دیگری ختم می‌شود. ما ابزارهای کمی و کیفی برای سنجش انواع فعالیت‌های نظام آموزشی می‌خواهیم که ما فقط یک سنجش می‌بینیم و آن فقط سنجش دانش‌آموز است، سنجش پیشرفت یادگیری که من به درستی آن شک دارم. اما سنجش کل سیستم چیست؟ سنجش یک مدیر یا معلم یا جامعه محلی به چه معناست؟ برای همه اینها به ابزار احتیاج داریم. ارزیابی مقاومت احتمالی در مقابل هر نوع تغییر و ارزیابی زمانی که درمجموع مهارت نظارت و ارزیابی را برای مدیران فراهم کند.

مقوله آخر مربوط به عامل زمان است. زمان و مدیریت آن، نگاه دقیق و موشکافانه به زمان، باید از دغدغه‌های ما به‌عنوان مدیران آموزشی باشد. هر نوع برنامه‌ای باید در دو افق زمانی کوتاه‌مدت و بلندمدت دیده شود و مسلما برنامه کوتاه‌مدت نمی‌تواند انعکاس درستی از تمرکززدایی به معنای وسیعی که ما خواهان آن هستیم داشته باشد. بنابراین ما برنامه‌ریزی کوتاه‌مدت را برای تغییر وضعیت کنونی نظام آموزشی مطرح می‌کنیم. همچنین ما زمان کوتاه‌مدت را برای اجرای تمرکززدایی در مقیاس کوچک جغرافیایی و زمانی نیاز داریم تا بتوانیم شناسایی و حمایت را به دست آوریم. اما ما به افق‌های بلندمدت نیاز داریم برای اینکه بتوانیم پذیرش تنوع و فردیت را در جامعه نهادینه کنیم. باید بدانیم که تغییر، در توزیع قدرت است. سنت‌ها و نگرش‌های شهروندان درباره قدرت خودشان، اختیارشان و مسئولیتشان در دولت چیست؟ به نظر می‌رسد ما بچه‌ها را از والدین می‌گیریم و از آنها در مقابل نظام آموزشی و تعلیم و تربیت فرزندانشان سلب مسئولیت می‌کنیم. روحیه خوداتکایی در شهروندان و سایر شرکا باید ایجاد شود. نهادینه‌کردن شفافیت و پاسخ‌گویی را نیاز داریم که اینها زمان‌بر است.

یادداشت

انگیزه یادگیری دانش تاریخ کجاست؟

کامل حسینی
معلم

● درس تاریخ جدا از دوره ابتدایی به‌صورت چندین درس مستقل بخشی از کتاب مطالعات اجتماعی دوره اول متوسطه را به خود اختصاص داده است و از آن به عنوان مجموعه‌ای از دانستنی‌های ضروری و مفید برای دانش‌آموزان نامبرده می‌شود؛ بنابراین به اهمیت هدفمند ایجاد انگیزه به عنوان گام نخست در لابه‌لای محتوای درس‌های تاریخ از این نقطه‌نظر باید نگریست و پرسید که شرح اهداف یادگیری درس‌های تاریخ دوره متوسطه اول کجا است؟ اگر بار دیگر و پس از چاپ مجدد کتاب مطالعات اجتماعی برای آغاز سال نو با دید دقیق به اهمیت بحث، ایجاد انگیزه به مجموعه درس‌های تاریخ دوره متوسطه بنگریم در عین ادراک انبوه نقاط مثبت و تأثیرگذار لابه‌لای درس‌ها اما حفرهایی در ژرفای محتوای درس‌های تاریخ خواهیم دید.

در نخستین درس از مجموعه درس‌های تاریخ مطالعات هفتم، تنها بخش بسیار کوتاه درباره اهمیت و فایده بررسی گذشته جوامع یعنی دانش تاریخ آن برای دانش‌آموزان گفته شده است، درحالی‌که بهتر بود یک درس تمام یا بخشی بزرگ از یک درس درباره فواید و اهمیت دانش تاریخ اختصاص داده شود. البته در اینجا باید دو نکته مهم لحاظ شود: نخست اینکه غرض نگارنده به‌هیچ‌وجه در شرح کارکرد فلسفی و عقلانی دانش تاریخ در حد تخصصی مملو از مفاهیم گنگ و مطالب مفصل نیست، بلکه کافی است فواید کلی تاریخ با زبان ساده همراه با مثال‌های آشنای تاریخی گنجانده شود. نکته دیگر اینکه موکول‌کردن بخشی از این وظیفه ایجاد انگیزه بر عهده دبیران اگرچه تا حدودی می‌تواند کارآمدی خود را به همراه داشته باشد، اما بخش مهمی از برانگیختن علاقه و هدف، مدیون محتوای غنی بیان‌شده از میان درس‌های مربوط به دانش تاریخ است؛ زیرا دانش‌آموزان اگرچه از میان سخنان و توضیح‌های معلمان در روزها و هفته‌های بعدی و حتی آزمون‌ها مطالبی را فرامی‌گیرند، اما این‌گونه مطالب در ذهنیت برخی دانش‌آموزان بسیار جزئی و حتی مفاهیم ناقص یا گنگی را تشکیل می‌دهد، مگر در شرایطی که توضیح دبیران درباره درک اهمیت دانش تاریخ تا حدودی بر مطالب درس قرابت و هم‌پوشانی داشته باشند. در واقع، طبق معمول انگیزه‌های چندانی از ذهن دانش‌آموزان نسبت به مطالبی که در کتاب مطرح نمی‌شود بر نمی‌خیزد مگر فقط در صورت طرح آنها برای فعالیت‌های خارج کلاس و در جست‌وجوی کتابخانه‌ای که از قضا فقر کتابخانه‌ها در برخی مدارس مانع تحقق چنین فعالیت‌هایی خواهند شد. از طرفی دیگر نیز دوره اول متوسطه مانند فضای علمی و اقتضای شرایط دانشگاه نیست که در آن بیشترین بحث و تأمل به خود دانش‌آموزان واگذار شود، بلکه اقتضای دانش آنها این است که مطالب معینی در کتاب درسی به توضیح بهتر فواید مطالعه تاریخ بپردازد تا اولین گام امید در راه ایجاد انگیزه برداشته شود. امیدواریم ویرایش‌های بعدی در پرکردن این حفره‌ها گامی رو به جلو بردارند تا انگیزش دانش‌آموزان برای یادگیری دانستنی‌ها، درک و تحلیل رویدادهای تاریخی متناسب با سطح دانش آنها همچنان شکل استوارتری به خود بگیرد.

جدول ۳۴۹۶ ■ طراح: بیژن گورانی

افقی:

۱- اکنون- پافشاری‌کردن- گلستان ۲- سخن بی‌پرده- صادق و صمیمی- پسر ابوسفیان ۳- شهری در آذربایجان غربی- ایوان عبرت- درازگوش ۴- دگرگون‌شده- روسری- درگیری و منازعه ۵- روشنی آتش- الکل سفید ۶- صندلی تشریفاتی- اسمی دخترانه- میمون آدم‌نما ۷- قدم یکپا- رمان معروف محمود دولت‌آبادی- فقیر و بی‌چیز ۸- دیکته- فیلمی از مسعود کیمیایی- دست آموز ۹- عاقبت جوینده- نوعی الیاف مصنوعی- طمع ۱۰- رایج- اولین پایتخت سلسله زندیه- کنیزک ۱۱- مایع مشتقی از خون- ترنم ۱۲- کوچک- درختی گرمسیری با چوب سبک- برد معروف ۱۳- نیم ساعت!- کفش- به طور کامل ۱۴- همسایه یونان و مونته‌نگرو- سروصدا- عدد اول ۱۵- قهوه‌ای مایل به سبز- پادشاه بابل که حضرت ابراهیم(ع) را در آتش افکند- گوشه‌ای در دستگاه ماهور.

عمودی:

۱-حلال نیست- نرم- طراح ۲- ژانری در سینما- نمایش‌نامه‌ای از مولیر ۳- قصه‌گوی سنتی- داغ داغ- کاکل اسب ۴- نام کوچک هیتلر- مرکز- گل ته حوض ۵- آزادی‌خواه- معادل فارسی فلاسک ۶- رشته‌ای در شمشیربازی- طعام عروسی- بستر۷- میان- ریشه‌ای غده‌ای و خوراکی- هلاک‌کننده ۸- فیلسوفان- فرستادن- بیدار ۹- طویل- طول- ضمیر انگلیسی ۱۰- بی‌خردی- واگذارکردن- سوره سی و هشتم قرآن ۱۱- عیدی- قوی و نیرومند ۱۲- لباس اتاق عمل- فراموشی- ستایش‌شده ۱۳- نوعی حلوا- ورزشکار رشته دو- گلی زیبا ۱۴- لقب خواجه عبدالله انصاری- بهره ۱۵- از رهبران جنبش استقلال هند- جنگ و نبرد- ابزار اضافه قابل‌تعویض.

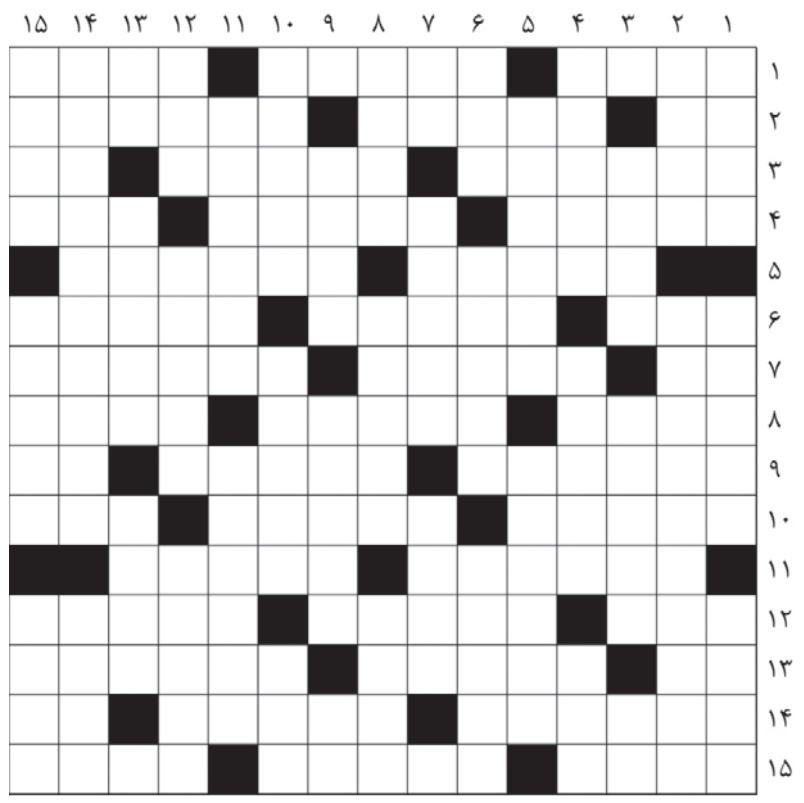

حل سودوکو سخت

۳	۷	۴	۵	۸	۲	۹	۶	۱
۸	۱	۵	۷	۶	۹	۲	۴	۳
۹	۶	۲	۴	۱	۳	۷	۸	۵
۲	۸	۱	۶	۴	۵	۳	۹	۷
۵	۳	۷	۱	۹	۸	۶	۲	۴
۴	۹	۶	۲	۳	۷	۵	۱	۸
۶	۵	۹	۸	۷	۴	۱	۳	۲
۱	۲	۸	۳	۵	۶	۴	۷	۹
۷	۴	۳	۹	۲	۱	۸	۵	۶

حل سودوکو ۲۴۹۱

۵	۲	۸	۴	۹	۶	۱	۷	۳
۳	۹	۴	۲	۱	۷	۵	۶	۸
۷	۶	۱	۸	۵	۳	۹	۲	۴
۸	۴	۲	۶	۳	۱	۷	۹	۵
۹	۱	۵	۷	۴	۸	۶	۳	۲
۶	۳	۷	۵	۲	۹	۸	۴	۱
۲	۵	۶	۱	۷	۴	۳	۸	۹
۴	۸	۹	۳	۶	۵	۲	۱	۷
۱	۷	۳	۹	۸	۲	۴	۵	۶

جدول ۳۴۹۵

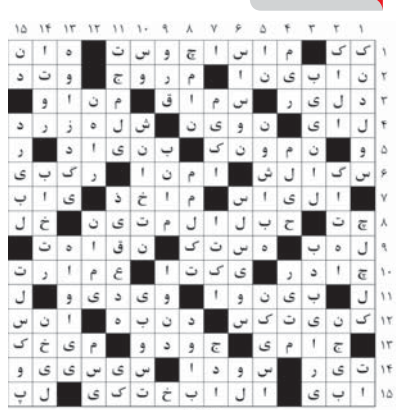

سودوکو سخت ۲۴۹۲

زمان پیشنهادی: ۴۰ دقیقه

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

					۲			۳
۳	۱		۵			۶	۴	
۵			۷				۸	
		۷						۸
		۹	۳		۵	۴		
۴						۵		
	۴				۷			۵
	۷	۳			۶		۲	۹
۲			۱					

سودوکو ساده ۲۴۹۲

زمان پیشنهادی: ۲۰ دقیقه

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

		۴	۲	۳				
۷	۵			۸				۴
۲		۱			۷		۶	
	۶		۹				۴	۵
	۲						۸	
۹	۴				۵		۱	
	۱		۳			۸		۷
۳				۵			۲	۶
				۷	۲	۱		